

# فنون بازیگری در تئاتر و سینما

نورالدین استوار

سروش

تهران ۱۳۹۶

شماره ترتیب انتشار: ۱۵۰ / ۱۰

## فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	فن بازی بر روی صحنه
۲۴	طرز عمل در وضعیتهای متفاوت
۲۷	از خود شروع کردن
۳۲	مسئله صدای بازیگر در تئاتر
۳۵	اشاره‌ها، حرکته‌ها، حالتها
۳۶	پوشش ظاهری و هنر احساس
۳۸	ریتم
۳۸	سکوت
۴۰	تسلط بر نفس
۴۳	فن بازیگری سینما
۶۱	سخنی چند دربارهٔ
۶۱	دوربین
۶۲	فیلمبردار

---

۶۶	.....	نمای درشت
۶۹	.....	برش
۷۲	.....	صدا
۷۴	.....	دوبله
۷۷	.....	تفاوت‌های فنی بازی در تئاتر و سینما
۹۰	.....	مؤخره
۹۲	.....	فهرست منابع و مأخذ

## فصل نخست

### فن بازی بر روی صحنه

با گفتاری از هگل فیلسوف شهیر آلمانی آغاز می‌کنیم: «بازیگر با تمام وجود، با چهره، قیافه و با صدای خود هنرآفرینی می‌کند. وظیفه او این است که خویشتن را با نقشی که بر عهده دارد یکی سازد... صدا، طرز سخن‌گفتن، حالتها، قیافه و به طور کلی همه اعمال و اندیشه‌های او با نقشی که دارد تطبیق کند. بازیگر که خود موجود زنده‌ای است مجبور است همه چیز خود را از یاد ببرد تا بتواند احساس دیگری را نشان دهد، یعنی نقش انسان دیگری را بازی کند.

... بازیگر، مثل هر انسان زنده، صاحب صدا و چهره و قیافه و حالتی خاص است که با سرشت او آمیخته و مختص به خود اوست. بازیگر باید اینهمه را تغییر دهد تا بتواند خودش را با نقشی که بر عهده‌اش می‌گذارند تطبیق دهد»<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup> زیبایی‌شناسی هگل، صفحه ۲۴۰ مجلد دوم از جلد سوم، چاپ پاریس (به نقل از کتاب فن صحنه‌سازی تناتر، از لئون موسیناک، ص ۴۷).

با توصیفی که هگل در مورد بازیگر می‌کند، می‌بینیم که بازیگری چندان کار آسانی نیست و از خودگذشتگی بسیار می‌خواهد. ولی نگرانی بی‌مورد است؛ زیرا اگر فنون این هنر را بیاموزیم کار تا اندازه‌ی زیادی آسان می‌شود. باقی می‌ماند تجربه‌ی خود شخص؛ و به هر حال مسئله قابل حل است.

در بازیگری روی صحنه، مانند هر رشته‌ی هنری دیگر، تکنیک در تکامل شکل بازی مؤثر است و به همین سبب مهارت در آن بیشترین اهمیت را داراست. تکنیک، چارچوبی است که بر مبنای آن بازیگر نقش خود را بنا می‌نهد و پایه و اساس محکمی است که اگر بازیگر در کارش به مشکلی بر بخورد، می‌تواند به آن تکیه کند.

«استانیسلاوسکی» تعلیم می‌دهد که بازیگر باید در تمام مدت بازی از فکر اصلی نهان در نقش آگاه باشد و این را مقدمترین وظیفه‌ی خود بداند. تکنیک در واقع وسیله‌ی عمل بازیگر است و به او کمک می‌کند که از عهده‌ی این چنین وظیفه‌ی مهمی برآید.

برای یک بازیگر، داشتن استعداد البته ضروری است؛ لیکن آن استعداد و خلاقیت که ذاتاً در یک بازیگر نهفته است، بدون کمک یا تکنیک پیشرفته نمی‌تواند به طور کامل بروز کند.

آگاهی بر تکنیک، به بازیگر با استعداد، تدبیر و کاردانی می‌بخشد و به قوه‌ی خیال او پر و بال می‌دهد؛ ولی از طرف دیگر اگر بازیگر فقط مهارت عملی (و نه استعداد) داشته باشد، تکنیک او هرچقدر هم پیشرفته باشد به او کمکی نخواهد کرد.

«نیکلای چرکاسف»<sup>۱</sup> Cherkasov می‌گوید: «تجربه‌های بازیگری که از اجرای برنامه‌هایی با ویژگیهای متفاوت در تئاتر «تماشاگران جوان» و در اپرت

و اپرا کسب کردم، بعدها در مطالعه بر روی تکنیک، بیشترین کمک را به من کرده است. بعدها فهمیدم که تکنیک چقدر انعطاف‌ناپذیر است و یک بازیگر، علاوه بر اینکه در اجرای نقش می‌بایستی مطابق موازین تئاتری قدرت دراکه داشته باشد، باید از تصویرهایی که موسیقی به او می‌دهد آگاه باشد. در این صورت وظایف او گرچه شبیه وظایف بازیگر تئاتر است، لیکن با اضافه‌شدن آواز و موسیقی و رقص که آنرا تکمیل می‌کنند، پیچیده‌تر می‌شود.»

در تئاتر، بازیگر اغلب، برحسب نمایشنامه‌های مختلف، تکنیک و حالت خود را عوض می‌کند و این کار نیازمند یک نوع قابلیت انطباق است؛ که با تجربه به دست می‌آید. گاهی اوقات اجرای مکرر یک نقش، تکنیک بازیگر را قوی می‌کند؛ ولی صورت بازی قراردادی و «کلیشه‌ای» می‌شود و این بدترین و نابخشودنی‌ترین عیب در بازیگر است.

چیزی که استانیسلاوسکی در کار بازیگر نمی‌بخشید، بازی سرد و ظاهری و قراردادی و نشان دادن «علایم و ظواهر احساس» به جای «احساس اصل» بود.

استانیسلاوسکی در مورد نشان دادن احساس بی‌معنی روی صحنه بسیار دقیق و تیزهوش بود؛ چنانکه می‌گوید:

«هرچه بازیگر در صحنه انجام می‌دهد، باید از احساس منتج از حقیقت و ایمان به وجود آید و از آن فرمانبرداری کند.»

یکی از نقایصی که اغلب بازیگرها به آن گرفتارند تأکید بیش از حد بر روی اثرات خارجی بازی است که باعث می‌شود در ایفای نقش مبالغه کنند. این مسئله به‌ویژه در «کمدی» صدق می‌کند. یعنی جایی که بازیگر همیشه برای اینکه تماشاگر را بیشتر بخنداند و سوسه می‌شود که پا را از حد معمول

۱. بازیگر معروف و قدیمی شوروی